



نقد دیدگاه سلفیه جهادی درباره جهاد ابتدایی

با تکیه بر آیه ۵ سورة توبه

علی‌اکبر لطفی*

چکیده

سلفیه جهادی به عنوان گروهی که تنها راه انتشار و تبلیغ معارف اسلامی را جهاد مسلحانه می‌دانند، با تعریف خاصی که از جهاد ابتدایی دارند، قتال با تمام کفار را، چه محارب و چه غیر محارب، به صورت جهاد ابتدایی جایز شمرده‌اند. تکفیری‌ها برای مشروعیت بخشی به این اقدام خود، به آیه ۵ سورة توبه استناد می‌کنند. آنان این آیه را نسخ تمام آیات صلح و عفو دانسته و مراد از «مشرکین» در این آیه را عموم کافران، چه محارب و چه غیر محارب، تلقی کرده‌اند؛ از این رو، آنها قائل اند که بعد از نزول این آیه کشتن تمام مشرکان جایز است. آنان همچنین جهاد ابتدایی را برای تحمیل اسلام به کفار جایز شمرده‌اند. این در حالی است که با مراجعه به «آیات دیگر قرآن» و «سیره پیامبر ﷺ» در برخورد با کفار و «دیدگاه مفسران بزرگ فریقین» به خوبی معلوم گردید که این آیه نسخ آیات صلح نیست و مراد از «مشرکین» در این آیه، مشرکانی است که عهد و پیمان خود را شکسته‌اند و همچنین رهبران و سران کفر، که مانع از رسیدن معارف اسلام به مردم هستند. علاوه بر این، سیره پیامبر ﷺ نیز در تبلیغ اسلام و برخورد با کفار، توأم با رأفت و عطف بوده است و ایشان هیچ‌گاه دستور قتل کسی را به جرم کفر صادر نکرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سلفیه جهادی، جهاد ابتدایی، قتال، نسخ، مشرکان.

* کارشناسی ارشد مذاهب اسلامی، پژوهشگر مؤسسه دار الإعلام لمدرسة أهل البيت ﷺ، استاد مرکز آموزش زبان مدرسه المهدی ﷺ و وابسته به جامعة المصطفی ﷺ العالمية.

مقدمه

جهاد یکی مهم‌ترین معارف اسلامی است که در کتاب و سنت بر آن تأکید شده است. جهاد بر دو نوع است: جهاد ابتدایی (طلب) و جهاد دفاعی. امروزه گروهی با عنوان سلفیه جهادی، از این آموزه دینی سوءاستفاده کرده و به بهانه آن، جان و مال و ناموس مخالفان خود را حلال شمرده و به کشتار آنها و تعرض به آنان پرداخته‌اند. تکفیری‌ها یکی از راه‌های انتشار و تبلیغ اسلام را جهاد ابتدایی می‌دانند؛ البته قائل هستند که در این نوع جهاد، اجبار دیگران به پذیرش اسلام جایز است.

با توجه به اینکه این فهم غلط از معارف دین و برداشت نادرست از آیات و سنت، از سوی مبلغان این گروه در سایت‌ها و کتاب‌های متعددی در حال انتشار است، ضرورت ایجاب می‌کند ضمن شناخت دیدگاه آنان درباره آیات و روایات موردبحث، به نقد آن نیز پرداخته شود.

پیش از این، در زمینه نقد عملکرد سلفیه جهادی در زمینه جهاد ابتدایی، آثاری همچون فقه الجهاد نوشته یوسف قرضاوی، مبانی فقهی جهاد نوشته سیدجواد ورعی و الجهاد و احکامه نوشته ابوالفضل میرعرب نوشته شده است؛ اما این آثار به صورت خاص به نقد عملکرد تکفیری‌ها در زمینه جهاد ابتدایی، با تمسک به این آیه شریفه نپرداخته‌اند. لذاست که در این نوشته ابتدا به بیان مفهوم سلفیه جهادی و انواع جهاد، و سپس به بیان دیدگاه سلفیه تکفیری درباره این آیه پرداخته شده است و در نهایت، دیدگاه آنان از منابع معتبر تفسیری و روایی نقد شده است.

سلفیه جهادی

«سلف» در لغت عبارت است از هر چیزی که مقدم شده باشد.^۱ «سلفیه» مصدر صناعی از ماده «سلف» است^۲ که در اصطلاح عبارت است از کسانی که به التزام و عمل به کتاب

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۷، ص ۲۵۸.

۲. عمر، احمد مختار، معجم اللغة العربية المعاصرة، ج ۲، ص ۱۰۹۲؛ سالم، احمد و عمرو بسیونی، ما بعد السلفية، ص ۲۷.

و سنت نبوی بنا بر فهم سلف صالح قائل باشند.^۱ بر این اساس، «سلفیه جهادی» به کسانی اطلاق می‌شود که بر اساس چنین فهمی از کتاب و سنت، تنها راه برقراری حکومت اسلامی را جهاد مسلحانه می‌دانند.^۲ به عقیده آنها، سلفی جهادی افرادی هستند که دارای تفکر جهاد مسلحانه علیه حکومت‌های موجود در جهان اسلام و ضد دشمنان خارجی هستند و از تفکر مشخصی برخوردارند که بر اساس مبادی حاکمیت و قواعد ولاء و براء و قواعد اساسی جهاد بنا شده است^۳ و از آن به عنوان واجبی عینی یاد می‌کنند.^۴ عبدالله عزام در این باب تصریح می‌کند: «ای مسلمانان، بدانید زندگی و عزت شما در گرو جهاد است؛ از این رو، اگر کسی علیه طاغوت‌ها، کافران و ظالمان به قتال نپردازد، هیچ ارزشی برای او در این دنیا نیست».^۵ آنان بر این باورند که تشکیل ابتدایی اسلام و قدرت یافتن و بقای آن تاکنون، در گرو شمشیر بوده است؛^۶ به همین خاطر، تنها راه انتشار توحید و معارف الهی را جهاد مسلحانه علیه طاغوت دانسته‌اند.^۷ اصطلاح «سلفیه جهادی» اولین بار در اواخر دهه ۱۹۹۰ م در روزنامه «نیویورک تایمز» به کار گرفته شد^۸ و نخستین کتابی که با این عنوان منتشر شد، تحت عنوان الرد علی التهمة التهاون بین الحركة الجهادية السلفية و ایران الرافضة نوشته ایمن الظواهری بود.^۹

«جهاد» در لغت

واژه جهاد از ماده «جهد» مصدر فعل جاهَد-یجاهِدْ هم‌معنای «مجاهدة» است که

۱. سالم، احمد و عمرو بسیونی، ما بعد السلفية، ص ۷؛ البانی، محمد ناصرالدین، دروس للشيخ محمد ناصر الدين الألباني، ج ۳، ص ۳؛ وادعی، مقل بن هادی، تحفة المجيب، ص ۱۸۵؛ عبدالغنی، عماد، «المفاهيم و الأفكار و العقائد المحورية للحركات الإسلامية»، الحركات الإسلامية في الوطن العربي، ج ۱، ص ۹۵.
۲. عبدالغنی، عماد، «المفاهيم و الأفكار و العقائد المحورية للحركات الإسلامية»، الحركات الإسلامية في الوطن العربي، ج ۱، ص ۹۸؛ حجازی، اکرم، دراسات في السلفية الجهادية، ص ۳۷.
۳. سوری، ابومصعب، دعوة المقاومة الإسلامية العالمية، ص ۶۸۳.
۴. عبدالسلام فرج، محمد، الجهاد: الفريضة الغائبة، ص ۱۸.
۵. عزام، عبدالله، التجارة المنجية زاد المجاهدين، ص ۲۱۶.
۶. نسیره، هانی، «السلفية الجهادية و تنظيم القاعدة»، الحركات الإسلامية في الوطن العربي، ج ۲، ص ۱۲۳۸.
۷. ابورمان، محمد، الإصلاح السياسي في الفكر الأساسي، ص ۲۶۰؛ مقدسی، ابومحمد، حوار مع مجلة العصر.
۸. میتر، رول، السلفية العالمية: الحركات السلفية المعاصرة، ص ۳۴۴.
۹. همان، ص ۳۵۲.

به معنای توان و طاقت در دفاع و غلبه به کار می‌رود. راغب اصفهانی نیز این واژه را به معنای طاقت و مشقت معنا کرده است.^۱ این واژه با اشتقاق‌های متعدّدش ۳۴ مرتبه در قرآن آمده است و آن گونه که نیشابوری در تفسیر خود آورده است می‌توان گفت که جهاد در لغت عبارت است از به کارگیری تمام تلاش در دستیابی به مقصود.^۲

«جهاد» در اصطلاح فقها

فقه‌های مذاهب اسلامی برای این واژه چندین معنا بیان کرده‌اند. برخی در تعریف آن گفته‌اند: «عبارت است از دعوت به دین حق و قتال با کسانی که آن را قبول نکنند»^۳ و برخی دیگر آورده‌اند: «به کارگیری تمام توان در قتال با کفار».^۴ عده‌ای نیز جهاد را این گونه تعریف کرده‌اند: «جهاد عبارت است از قتال مسلمانان با کفاری که با مسلمانان عهدی ندارند؛ البته برای اعتلای اسلام».^۵

جهاد ابتدایی

مقصود از جهاد ابتدایی (طلب و هجومی) جهادی است که در آن به مقابله با کافران، در حالی که آنان در سرزمین‌های خودشان به سر می‌برند، پرداخته شود. مسلمانان به دلایل مختلفی به کافران حمله می‌کردند و در خانه‌های آنان به تعقیب آنها می‌پرداختند؛ دلالی مثل پیشگیری از خطر آنان در آینده، دور کردن امت از شر آنها، غافلگیر کردن آنان قبل از آنکه آنها امت اسلام را با حمله خود غافلگیر کنند (مثل غزوة تبوک)، و دور کردن موانع از راه ملت‌های آنان تا دعوت اسلام به آنها برسد و سخن اسلام را به صراحت بشنوند.^۶

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ج ۱، ص ۲۲۳.

۲. «بذل المجهد في حصول المقصود». (قمی نیشابوری، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۳، ص ۳۰۵).

۳. جرجانی، علی بن محمد، کتاب التعریفات، ص ۸۰.

۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۶، ص ۳.

۵. ابن عرفة، محمد بن محمد، شرح حدود ابن عرفة، ص ۱۳۹.

۶. قرضاوی، یوسف، فقه الجهاد، ج ۱، ص ۲۲۴.

تعریفی که سلفیه جهادی از جهاد ابتدایی آورده‌اند، عبارت است از: «جنگ با کفار در بلاد آنها به گونه‌ای که برای قتال با مسلمانان آماده نباشند».^۱ هدف از جهاد ابتدایی خضوع و تسلیم شدن ممالک کفر در برابر اسلام است.^۲

تکفیری‌ها در تعریف جهاد ابتدایی، تعریفی مشابه با تعریف اهل سنت دارند؛ البته با این اختلاف که آنها در تبیین هدف از جهاد ابتدایی اختلاف نظر دارند. این بدان دلیل است که فقه‌های اهل سنت هدف از جهاد ابتدایی را پیشگیری از خطر، جلوگیری از حمله کفار یا دور کردن موانع نشر اسلام می‌دانند؛ در حالی که تکفیری‌ها هدف از جهاد ابتدایی را نابودی کافران ممالک کفر دانسته‌اند.

در مقابل جهاد ابتدایی (جهاد طلب)، جهاد دفاعی وجود دارد که عبارت است از مقاومت در برابر دشمن هنگامی که وارد سرزمین اسلام شود و مساحتی هرچند اندک را اشغال کند یا به جان و مال و حرمت مسلمانان تجاوز نماید.^۳

تبیین دیدگاه سلفیه جهادی درباره آیه ۵ سورة توبه

آیه ۵ سورة توبه از ادله سلفیه جهادی در مشروعیت بخشی به جهاد ابتدایی و قتال مشرکان است که می‌فرماید:

﴿إِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَ
اُفْعِدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
رَحِيمٌ﴾^۴

پس چون ماه‌های حرام به پایان رسند، مشرکان را هر کجا که یافتید، بکشید و آنان را بگیرید و به بندشان بکشید و آنها را محاصره کنید و در هر کمین‌گاهی به راه آنان بنشینید. پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات پرداختند، راهشان را باز گذارید. بی‌گمان خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱. عبدالقادر، سید امام، العمدة في إعداد العدة، ص ۲۹۳؛ سباعی، هانی، الصواعق المرسلة على الندوة المهزلة، ص ۴۶؛ عزام، عبدالله، التجارة المنجية زاد المجاهدين، ص ۶۲.
۲. شنقيطی، عبدالله، بل أنت من المبطلين، ص ۷۳؛ شهاب الناقب، علی بن نایف، الخلاصة في أحكام أهل الذمة، ص ۶۷.
۳. قرضاوی، یوسف، فقه الجهاد، ج ۱، ص ۹۶.
۴. سورة توبه، آیه ۵.

تکفیری‌ها با تمسک به این آیه، جهاد ابتدایی علیه کفار، قبل از دعوت آنان به اسلام را جایز دانسته^۱ و قائل‌اند که در جهاد با کفار، سیره پیامبر ﷺ نیز همین بوده است.^۲ آنچه از دیدگاه آنان ذیل این آیه می‌توان دریافت کرد، چهار چیز است:

۱. حلال بودن جان و مال کفار به مجرد اثبات کفر آنها؛^۳
۲. جواز جهاد ابتدایی برای تحمیل اسلام به کفار؛^۴
۳. نسخ تمام آیات صلح و عفو، به واسطه این آیه؛
۴. استناد به سیره پیامبر ﷺ در کشتن کفار.^۵

قبل از بررسی و نقد ادعاهای تکفیری‌ها درباره این آیه لازم است برای روشن شدن بحث، ابتدا اهداف جهاد ابتدایی از دیدگاه اسلام، تبیین شود.

اهداف جهاد ابتدایی (طلب)

جهاد طلب و هجومی از اموری است که اسلام آن را صحیح می‌داند؛ البته اهدافی در آن نهفته است که برخی از این اهداف عبارت‌اند از:

۱. تأمین آزادی در دعوت به دین

از آنجایی که برخی از رهبران و امیران ممالک کفر مانع از رسیدن معارف ناب اسلامی در بین آحاد مردم خود هستند -همان گونه که امپراتوری روم مانع از نشر اسلام در بین مردم خود می‌شد و تا جایی پیش رفتند که مبلغان اسلام را شهید کردند- اسلام برای مقابله با این زورگویان و رفع این مانع، و همچنین رساندن پیام اسلام به گوش مردم به جهاد

۱. حربی، ابومنذر، عون الحکیم الخیر فی الرد علی کتاب البرهان المنیر، ص ۴۱۰؛ عبدالحکیم حسان، ابوعمر، هل العمليات الجهادية في بلاد الکفر أفضل أم فی بلاد المسلمین، ص ۱.

۲. حربی، ابومنذر، عون الحکیم الخیر فی الرد علی کتاب البرهان المنیر، ص ۲۵۳.

۳. اثری، ابوهمام، النوافح المسکية فی نقش شبهة المرحلة المکیة، ص ۲۸؛ آل شویل زهرانی، فارس بن احمد، سلسلة العلاقات الدولية فی الإسلام، ج ۳، ص ۱۶.

۴. شهاب الثاقب، علی بن نایف، الخلاصة فی أهداف القتال فی الإسلام، ص ۸۵.

۵. حربی، ابومنذر، عون الحکیم الخیر فی الرد علی کتاب البرهان المنیر، ص ۲۴۰؛ ابوقتاده فلسطینی، عمر محمود، الجهاد و الاجتهاد، ص ۱۳۶.

ابتدایی حکم می‌کند.^۱

۲. تأمین سلامت دولت اسلامی و مرزهای آن

یکی دیگر از اهداف جهاد طلب، حفظ و حراست از مرزهای اسلامی در زمانی است که دشمنان در کمین هستند، علیه حکومت اسلامی دست به توطئه می‌زنند و خود را آماده حمله به مملکت اسلامی می‌کنند. در اینجا باید قبل از وقوع هرگونه عملی از سوی بدخواهان و دشمنان، به مقابله جدی با آنان پرداخت؛ همان گونه که وقتی پیامبر ﷺ در غزوه تبوک از آماده شدن رومیان برای حمله به اسلام مطلع شدند، پیش‌دستی کردند و لشکر اسلام را برای مقابله با آنان در سرزمین خودشان، اعزام کردند.^۲

۳. یاری دادن مستضعفان و اسیران مسلمان

از اهداف جهاد طلب این است که در صورتی که عده‌ای از مسلمانان مورد ظلم حاکم خود واقع شوند یا اسیر وی باشند، بر مسلمانانی که توان مقابله با این حاکم ظالم را دارند، واجب می‌شود که علیه او جهاد ابتدایی کنند.^۳

ادعای اول: حلال بودن جان و مال کفار به مجرد اثبات کفر آنها

تکفیری‌ها با استناد به این آیه جنگ هجومی را از مسلمانان اسلام دانسته و قول منکران را فاسد خوانده‌اند.^۴ آنان همچنین با استناد به این آیه، هرکسی را که عنوان شرک و کفر بر او صادق باشد، مصداق «مشرکین» در این آیه می‌دانند و قتال با او را بر خود واجب می‌پندارند. از این رو، طبق دیدگاه آنان «کفر» عامل قتال است؛ نه تجاوز و مقابله با اسلام.^۵ علاوه بر این، آنان ذیل این آیه تصریح می‌کنند که صرف شهادتین موجب حرمت جان و مال نمی‌شود؛ لذا چنانچه شخصی شهادتین را بگوید، اما نماز نخواند، روزه نگیرد، زکات پرداخت

۱. قرضاوی، یوسف، فقه الجهاد، ج ۱، ص ۳۲۵.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۲۶.

۴. کمیته شرعی جماعه التوحید و الجهاد، تحفة الموحدين في بيان أهم مسائل الدين، ج ۱، ص ۲۱۸.

۵. قرضاوی، یوسف، فقه الجهاد، ج ۱، ص ۳۴۰.

نکند و...، جان و مال او هدر است و حتی در صورتی که قصد مقابله با مسلمانان را نداشته باشد، می‌توان به او حمله کرد. آنان تا جایی پیش رفته‌اند که با استناد به این آیه، اعمالی از قبیل قتل، تخریب و انفجار اماکن را از مصادیق جهاد ابتدایی دانسته‌اند.^۱

نقد

تکفیری‌ها «کفر» را عامل قتال دانسته‌اند؛ در حالی که مراد از «مشرکین» در آیه مزبور، آن دسته از کفاری است که علاوه بر کفر، دشمن نیز باشند؛ نه اینکه صرفاً کافر باشند.^۲ با دقت در آیات قبل نیز، همین معنا اثبات می‌شود؛ زیرا خداوند در آیات قبل، خصوصیات کافرانی را بیان کرده است که جنگ با آنان جایز است. خداوند می‌فرماید:

﴿بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۖ فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُحْزِي الْكَافِرِينَ ۖ وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتِغُوا فَهَوْاْ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۖ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾^۳

خدا و پیامبرش بیزار هستند از مشرکانی که با آنها پیمان بسته‌اید. پس چهار ماه به شما مهلت داده شد که در این سرزمین سیر کنید و بدانید که نمی‌توانید از خدا بگریزید و اوست که کافران را رسوا می‌سازد. در روز حج بزرگ از جانب خدا و پیامبرش به مردم اعلام می‌شود که خدا و پیامبرش از مشرکان بیزار هستند. پس اگر توبه کنید، برایتان بهتر است؛ ولی اگر سرپیچی کنید، بدانید که نمی‌توانید از خدا بگریزید. کافران را به عذابی دردآور بشارت ده؛ مگر آن گروه از مشرکان که با ایشان پیمان بسته‌اید و آنان در پیمان خود کاستی نیاورده‌اند و با هیچ‌کس، علیه شما هم‌دست نشده‌اند. با اینان به پیمان خویش تا پایان مدت پیمان وفا کنید؛ زیرا خدا پرهیزگاران را دوست دارد.

با دقت در این آیات به‌خوبی آشکار می‌شود که مراد از «مشرکین» کسانی هستند که به

۱. عائدی، عبدالرحمن، الانتصار للمجاهدين و الرد على بيان كبار علماء السلاطين، ص ۱۷.

۲. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، التفسير البسيط، ج ۱۱، ص ۹۶.

۳. سورة توبه، آیات ۱ تا ۴.

عهد و پیمانی که با پیامبر ﷺ بسته بودند، پایبند نبوده‌اند و علیه اسلام اقداماتی را انجام داده‌اند و در واقع، امامان و بزرگان کفار بودند که با قدرت خود مانع انتشار اسلام در بین توده مردم شده‌اند.^۱ علاوه بر این، آیه بعد نیز به پایبندی به عهد و پیمانی که با کفار بسته شده، اشاره می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَإِنْ أَخَذَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتِجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ اتِّلْهُ مَأْمَنَةً ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۲

و هرگاه یکی از مشرکان به تو پناه آورد، به او پناه بده تا کلام خدا را بشنود و سپس او را به مکان امن برسان؛ زیرا اینان مردمی نادان‌اند.

همان گونه که در این آیه آمده است، خداوند به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که در صورتی که کفار به تو پناه آورند، به آنان پناه بده تا کلام خداوند را بشنوند.^۳ از مجموع آیات اولیهٔ سوره توبه می‌توان این موارد را نتیجه گرفت:

۱. مهلتی چهارماهه به مشرکانی که عهد و پیمانی ندارند داده شده است تا برای سرنوشت خود آزادانه تصمیم بگیرند.

۲. هرکس از مشرکان که عهد و پیمانی با مسلمانان دارد، تا زمانی که به عهد خود وفادار باشد در امان است و اسلام هیچ تعرضی به او نخواهد کرد.

۳. هرکدام از مشرکان که به مسلمانان پناه آورد، در امان است تا کلام خدا را بشنود و تصمیم بگیرد.

۴. کسانی که در کنار بیت‌الله الحرام عهد بسته‌اند، تا زمانی که برخلاف عهد خود عمل نکنند، در امان هستند.^۴

علاوه بر آیات فوق، آیات دیگری نیز وجود دارد که صراحتاً از جنگ با کسانی که با مسلمانان نمی‌جنگند، منع می‌کند. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

۱. قرضاوی، یوسف، فقه الجهاد، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲. سوره توبه، آیه ۶.

۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

۴. قرضاوی، یوسف، فقه الجهاد، ج ۱، ص ۵۷۵.

آیه اول: ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾؛^۱
(در راه خدا با کسانی که با شما جنگ می کنند، بجنگید و از حد نگذرید. به راستی که خداوند کسانی را که از حد می گذرند، دوست ندارد).

این آیه اولین آیه ای است که به قتال با کفار حکم کرده است.^۲ طبرانی ذیل این آیه تصریح می کند که قتال قبل از دعوت به اسلام و همچنین قتال با کسانی که با مسلمانان جنگ ندارند و در صلح با مسلمانان هستند، جایز نیست. ابن عباس و ضحاک نیز مراد از «لا تعتدوا» را تجاوز در کشتن زنان و فرزندان، و همچنین کسانی که با مسلمانان جنگ ندارند، دانسته اند؛ از این رو، از نظر اکثر مفسران، این آیه از محکومات است و نسخ نشده است.^۳

فخر رازی نیز در ذیل این آیه، ضمن بیان موارد متعددی در تبیین مراد از «الذين قاتلوا»، قائل است که قول حق درباره این فقره از آیه آن است که قتال با کفاری جایز است که به قتال با مسلمانان مشغول باشند؛ از این رو، کشتن کسانی که در وطن خود هستند و اقدامی علیه اسلام انجام نداده اند، جایز نیست.^۴

آیه دوم: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يَقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾؛^۵ (خداوند شما را از کسانی که با شما در کار دین نجنگیدند و شما را از خانه هایتان بیرون نکرده اند، باز نمی دارد که به آنان نیکی کنید و در راه حق به آنان با عدل رفتار کنید. بی گمان خداوند دادگران را دوست می دارد). بنا بر تصریح قرطبی، اکثر مفسران این آیه را محکم دانسته اند و به عدم جواز قتال با کفار غیر محارب قائل هستند.^۶

آیه سوم: ﴿فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يَقَاتِلُوكُمْ وَ الْتَمَّوْا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ

۱. سورة بقره، آیه ۱۹۰.

۲. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۲، ص ۳۵۰.

۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر، تفسیر القرآن العظیم للإمام الطبرانی، ج ۱، ص ۲۹.

۴. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۵، ص ۲۸۷.

۵. سورة ممتحنه، آیه ۸.

۶. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۸، ص ۵۹.

سَيِّئًا»^۱ (پس اگر از شما کناره‌گیری کنند و با شما جنگ نکنند و پیام آشتی به شما بفرستند، خداوند برای شما بر ضرر آنان راهی قرار نداده است).

زمخشری ذیل این آیه تصریح می‌کند که این آیه بیانگر این است که چنانچه کفار تعرضی به مسلمانان نداشته باشند و به قتال با مسلمانان نپرداخته باشند، مستحق صلح هستند و جنگ با آنان روا نیست.^۲

ابن کثیر نیز در تفسیر این فقره از آیه می‌گوید تا زمانی که کفار با شما جنگ ندارند و کسی از شما را نکشته‌اند، با آنان نجنگید و با صلح با آنان برخورد کنید.^۳

آیه چهارم: ﴿وَإِنْ جَئَحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْزَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾؛^۴ (و اگر به صلح گرایش یابند، تو نیز به آن بگرای و بر خداوند توکل کن. بی‌گمان او شنوا و داناست).

زمخشری ذیل این آیه با ردّ قول کسانی که به نسخ این آیه قائل هستند، تصریح می‌کند که این گونه نیست که ما همیشه مأمور به قتال با کفار باشیم؛ بلکه باید مصلحت نظام اسلامی را در نظر گرفت و این امر نیز با امام است.^۵

طبری نیز ذیل این آیه بیان می‌کند که این آیه خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «چنانچه کفار قصد صلح و ترک جنگ داشتند، از آنان بپذیر و با آنان مصالحه کن».^۶

آیه پنجم: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾؛^۷ (به راه پروردگارت با حکمت و پند پسندیده فراخوان و به روشی که بهتر است با آنان مناظره کن).

همان گونه که این آیه اشاره می‌کند، خداوند پیامبرش را به تبلیغ دین با موعظه و

۱. سورة نساء، آیه ۹۰.

۲. زمخشری، محمود بن عمرو، الکشاف، ج ۱، ص ۵۴۷.

۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۳۷۳.

۴. سورة انفال، آیه ۶۱.

۵. زمخشری، محمود بن عمرو، الکشاف، ج ۲، ص ۲۳۳.

۶. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۴، ص ۴۰.

۷. سورة نحل، آیه ۱۲۵.

نصیحت مأمور کرده است و اصلاً ایشان را به تحمیل دین به واسطه شمشیر، مأمور نکرده است.

آیه ششم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتُ مُؤْمِنًا﴾؛^۱ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای جهاد رهسپار شوید، نیک تفحص کنید و به آن کسی که بر شما سلام گوید، نگوئید که مؤمن نیستی). مفسران ذیل این آیه تصریح می‌کنند که چون دین اسلام دین رحمت است، پس قتال با کفار به صرف کفر آنان، جایز نیست؛ بلکه اسلام به رعایت عدالت و برخورد نیک، حتی با کافرانی که با ما جنگ ندارند، دستور می‌دهد.^۲

همچنین اگر کفر به تنهایی علت قتال بود، می‌بایست قتل زنان و کودکان کفار نیز جایز باشد؛ در حالی که در شریعت اسلام، تعرض به زنان و کودکان کفار جایز نیست.^۳ علاوه بر اینها، پس از فتح مکه، جهاد فقط علیه کفاری بود که با مسلمانان اعلان جنگ کرده بودند.^۴ از آنجایی که اسلام دین رحمت است، آنچه مورد تأکید دین است، نیکی و احترام به تمام ملل و ادیان، و همچنین برخورد عادلانه با آنان است.^۵

بزرگان اهل سنت نیز اتفاق نظر دارند بر اینکه در صورتی قتال با کفار جایز است که آنان به جنگ علیه مسلمانان اقدام کرده باشند؛^۶ از این رو، جایز نیست شخصی را صرفاً به سبب کفر و عدم پذیرش اسلام، به قتل رساند؛^۷ همان گونه که از آیه ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾^۸ فهمیده می‌شود. خداوند در

۱. سورة نساء، آیه ۹۴.

۲. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۵، ص ۲۸۳.

۳. زحیلی، وهبه، آثار الحرب، ص ۱۰۷.

۴. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۲، ص ۳۵۰.

۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۲۳، ص ۲۲۳.

۶. زحیلی، وهبه، آثار الحرب، ص ۱۰۶.

۷. همان.

۸. سورة توبه، آیه ۲۹: با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند و چیزهایی را که خدا و پیامبرش حرام کرده است، بر خود حرام نمی‌کنند و دین حق را نمی‌پذیرند، جنگ کنید تا آن‌گاه که به دست خود در عین مذلت جزیه بدهند.

این آیه، غایت قتال با کفار را رسیدن به معاهده‌ای بین مسلمانان و کفار دانسته است که باید اهل ذمه به آن پایبند باشند، و خداوند غایت را اسلام آوردن این کفار قرار نداده است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که «قتال با کفار» لزوماً برای اجبار آنان به اسلام آوردن نیست.^۱

ادعای دوم: جهاد ابتدایی برای تحمیل اسلام به کفار

از ادعاهای سلفیه تکفیری ذیل آیه ۵ سورة توبه، اجبار کفار به پذیرش اسلام یا پرداخت جزیه است؛^۲ تا جایی که آنان قائل اند تنها در صورتی از قتال با آنان دست برداشته می‌شود که اسلام را قبول کنند.^۳

نقد

تکفیری‌ها جهاد ابتدایی را برای تحمیل اسلام به کفار جایز می‌دانند؛ در حالی که قرآن مبدأ اجبار در پذیرش دین را رد کرده است. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

آیه اول: «شَاءَ رَبُّكَ لَا آمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»؛^۴ (اگر پروردگار تو بخواهد، همه کسانی که روی زمین هستند، ایمان می‌آورند. آیا تو مردم را وادار می‌کنی که ایمان بیاورند؟)

آن گونه که در آیه مشاهده می‌شود، نوعی استفهام انکاری خطاب به پیامبر ﷺ وجود دارد که: «ای پیامبر، مردم را به اجبار و اکراه، به پذیرش دین وادار نکن».^۵

زمخشری ذیل این آیه تصریح می‌کند که معنای آیه این است: «ای پیامبر، تنها خداوند توان و قدرت بر اکراه دارد و تو این حق و قدرت را نداری که کسی را به پذیرش اسلام اکراه کنی».^۶ ابن کثیر نیز ذیل این آیه اکراه در پذیرش اسلام را رد کرده است.^۱

۱. زحیلی، وهبه، آثار الحرب، ص ۱۰۶.

۲. شهاب الثاقب، علی بن نایف، الخلاصة في أهداف القتال في الإسلام، ص ۸۵.

۳. همان.

۴. سورة يونس، آیه ۹۹.

۵. قرضاوی، یوسف، فقه الجهاد، ج ۱، ص ۵۶۳.

۶. زمخشری، محمود بن عمرو، الکشاف، ج ۲، ص ۳۷۳.

آیه دوم: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾؛^۲ (در پذیرش دین خدا اکراه و اجباری نیست. به تحقیق، هدایت از گمراهی مشخص شده است).

این آیه صراحتاً اکراه و اجبار در پذیرش دین را نفی می‌نماید. برخی قائل‌اند این آیه در زمانی نازل شده است که مسلمانان در مکه بودند و قدرت جهاد نداشتند؛ از این رو، وقتی به مدینه رفتند و قدرتمند شدند، این آیه نیز نسخ گردیده است. این در حالی است که با مراجعه به منابع تفسیری معتبر اهل سنت خلاف این دیدگاه معلوم می‌شود. ابن کثیر، که آرای او مقبول سلفیان است، ذیل این آیه تصریح کرده است که این آیه درباره یکی از انصار بنی سالم بن عوف به نام الحَصِینی نازل شده است. وی مسلمان و دارای دو فرزند نصرانی بود که از پیامبر ﷺ درباره اکراه آنان بر پذیرش اسلام سؤال کرد. پیامبر ﷺ خطاب به وی فرمودند: «آنان را به پذیرش اسلام مجبور نکن» و خداوند آیه ۲۵۶ سورة بقره را نازل فرمود.^۳

طبری نیز ذیل این آیه تصریح می‌کند که این آیه درباره برخی زنانِ انصار نازل شده است که فرزندانِشان زنده نمی‌ماندند. آنان نذر کردند که اگر فرزندانِشان زنده بمانند، آنها را یهودی کنند. پس از آنکه آیین اسلام آمد، نزد پیامبر ﷺ آمدند و گفتند: «اگر بخواهید، آنان را به پذیرش اسلام مجبور می‌کنیم» که آیه نازل شد و آنان را از اجبار دیگران به پذیرش اسلام منع کرد.^۴

همچنین ادعای نسخ این آیه به واسطه آیات بیانگر قتال با کفار، مردود است؛ زیرا بین این آیه و آیه ﴿وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً﴾^۵ تعارضی قطعی وجود ندارد که مستلزم نسخ باشد؛ چرا که می‌تواند علت جنگ، چیز دیگری غیر از پذیرش اسلام باشد؛

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۲۹۸.

۲. سورة بقره، آیه ۲۵۶.

۳. «نزلت في رجل من الأنصار من بني سالم بن عوف، يقال له الحصيني، كان له ابنان نصرانيان و كان هو رجلاً مسلماً، فقال للنبي ﷺ: ألا استكرههما». (ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۸۳).

۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۵، ص ۴۰۷.

۵. سورة توبه، آیه ۳۶: و آن چنان که مشرکان همگی به جنگ شما برخاستند، همگی به جنگ ایشان برخیزید.

مثل اقدام به کشتار مسلمانان و تجاوز به ممالک اسلامی.^۱

ادعای سوم: نسخ تمام آیات صلح و عفو، به واسطه آیه ۵ سوره توبه

از ادعاهایی که تکفیری‌ها ذیل این آیه مطرح کرده‌اند این است که این آیه را ناسخ تمام آیات متضمن صلح و برخورد مسالمت‌آمیز با کفار می‌دانند.^۲

نقد

تکفیری‌ها این آیه را ناسخ تمام آیات قبل می‌دانند؛ در حالی که قبول نسخ، مستلزم دو شرط است:

شرط اول: میان ناسخ و منسوخ تعارض حقیقی باشد؛ به گونه‌ای که به هیچ وجه امکان جمع میان آن دو نباشد.

شرط دوم: تاریخ هر دو نص مشخص باشد تا بتوان گفت که نص متأخر، نص متقدم را نسخ کرده است.

این در حالی است که این دو شرط در آیه مذکور جمع نشده‌اند.^۳

همچنین در کتاب‌های تفسیری معتبر اهل سنت نیز خلاف این دیدگاه وارد شده است و برخی بزرگان تفسیر، آیه «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۴ را ناسخ این آیه^۵ و برخی دیگر آیه «فَإِمَّا مَنَّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءٌ»^۶ را ناسخ آن دانسته‌اند.^۷ برخی دیگر نیز این آیه را از محکمت دانسته‌اند که نه ناسخ آیات دیگر

۱. قرضاوی، یوسف، فقه الجهاد، ج ۱، ص ۵۶۴.

۲. عزام، عبدالله، في ظلال سورة التوبة، ص ۱۱۶.

۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الإتيان في علوم القرآن، ج ۳، ص ۶۹ تا ۷۱؛ قرضاوی، یوسف، فقه الجهاد، ج ۱، ص ۳۷۳.

۴. سوره بقره، آیه ۱۰۹: بسیاری از اهل کتاب با آنکه حقیقت برای آنها آشکار شده است، از روی حسد دوست دارند شما را پس از ایمان آوردنتان، به کفر بازگردانند. عفو کنید و گذشت کنید، تا خدا فرمایشش را بیاورد. او بر هر کاری تواناست.

۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان في تأویل القرآن، ج ۲، ص ۵۰۳.

۶. سوره محمد، آیه ۴: آن‌گاه یا به منت آزاد کنید یا به فدیة.

۷. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم؛ مسنداً عن الرسول ﷺ و الصحابة و التابعين، ج ۶، ص ۱۷۵۳.

است و نه منسوخ شده است؛^۱ همان گونه که نحاس به همین دیدگاه قائل است و دلیل وی این است که آیه‌ای آیه دیگر را نفی نمی‌کند.^۲ با توجه به اختلافی که در ناسخ و منسوخ بودن این آیه وجود دارد، می‌توان گفت که قائلانِ نسخ، دلیلی ندارند و این مطلب، برداشت شخصی آنان است.^۳ بنابراین، نهایت چیزی که درباره این آیه می‌توان گفت این است که این آیه نسبت به آیات دیگر تعمیم دارد و اصلاً درصدد نسخ آیات قبل از خود نیست.^۴

طبری ذیل آیه ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾^۵ ضمن بیان دیدگاه برخی افراد همچون قتاده که این آیه را به واسطه آیه ﴿فَإِذَا أُنْسِلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ﴾^۶ منسوخ می‌دانند، تصریح می‌کند که آنچه قتاده و موافقانش درباره نسخ این آیه گفته‌اند، سخنی است که برای آن، دلیلی از کتاب و سنت و فطرت وجود ندارد. وی ادامه می‌دهد که در بیش از یک جا در کتاب‌هایش استدلال کرده که ناسخ آن است که حکم منسوخ را از هر جهت نسخ کند و بردارد و تنها با مخالفت ظاهر یک آیه با آیه دیگر، نمی‌توان به نسخ آن آیه حکم کرد.^۷

ادعای چهارم: استناد به سیره پیامبر ﷺ در کشتن کفار

یکی دیگر از ادعاهای تکفیری‌ها ذیل آیه ۵ سورة توبه، تمسک به سیره پیامبر ﷺ و صحابه در کشتن کفار است.^۸

۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۴، ص ۱۴۰.
۲. نحاس، احمد بن محمد، الناسخ و المنسوخ، ص ۴۹۴.
۳. قرضاوی، یوسف، فقه الجهاد، ج ۱، ص ۳۶۷.
۴. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمدباقر موسوی، ج ۲، ص ۱۰۵.
۵. سورة انفال، آیه ۶۱: و اگر به صلح گرایش یابند، تو نیز به آن بگرای و بر خداوند توکل کن. بی‌گمان که خداوند شنوا و داناست.
۶. سورة توبه، آیه ۵: و چون ماه‌های حرام به پایان رسید، هر جا که مشرکان را یافتید، بکشید و بگیرید و به حبس افکنید و در همه‌جا به کمین آنها بنشینید. اما اگر توبه کردند و نماز خواندند و زکات دادند، از آنها دست بردارید، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است.
۷. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۴، ص ۴۱.
۸. حربی، ابومنذر، عون الحکیم الخیر فی الرد علی کتاب البرهان المنیر، ص ۲۴۰؛ ابوقتاده فلسطینی، عمر محمود، الجهاد و الإجتهااد، ص ۱۳۶.

نقد

تکفیری‌ها برای مشروعیت بخشی به اقدامات خود علیه کفار، به سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ و صحابه تمسک می کنند؛ در حالی که با مراجعه به منابع تاریخی و حدیثی، خلاف این دیدگاه آشکار می شود و سیره پیامبر ﷺ و صحابه در مقابله با کفار غیر از آن است که تکفیری‌ها عمل می کنند؛ بنابراین، برای نمونه به برخی از این موارد اشاره می کنیم:

خداوند پیامبر گرامی اسلام ﷺ و آیین اسلام را مایه رحمت دانسته است و در قرآن کریم می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۱. مفسران ذیل این آیه تصریح کرده اند که قول حق درباره آیه مذکور آن است که «عالمین» در این آیه، عام است؛ از این رو، خداوند پیامبر ﷺ را مایه رحمت بر مسلمان و کافر قرار داده است.^۲ با وجود اینکه خداوند پیامبر ﷺ را «رحمة للعالمین» قرار داده است، چگونه می توان ادعا کرد که سیره او در تبلیغ و دعوت به اسلام، کشتن بوده است؟!

همچنین در روایتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است که ایشان فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ صَالِحَ الْأَخْلَاقِ (مکارم الأخلاق)»؛^۳ (فقط مبعوث شده ام تا ارزش های اخلاقی را کامل کنم). این روایت در منابع متعدد و معتبر اهل سنت وارد شده است و حدیث پژوهانی همچون البانی آن را صحیح دانسته اند^۴ و حاکم نیشابوری نیز آن را صحیح دانسته است.^۵

با توجه به این روایت، سیره پیامبر ﷺ در رفتار با مردم استفاده از اخلاق حسنه بوده است؛ چه مسلمان باشند و چه کافر. البته به جز کافرانی که عناد و دشمنی با اسلام و

۱. سوره انبیا، آیه ۱۰۷: و ما تو را نفرستادیم مگر اینکه رحمت برای تمام مخلوقان باشی.

۲. زمخشری، محمود بن عمرو، الکشاف، ج ۳، ص ۱۳۹؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۳۸۷؛ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۸، ص ۵۵۲.

۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، الأدب المفرد، ص ۱۰۴؛ ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، المصنف؛ فی الأحادیث والآثار، ج ۶، ص ۳۲۴؛ حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۶۰؛ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۴، ص ۵۱۳.

۴. البانی، محمد ناصر الدین، سلسلة الأحادیث الصحیحة، ج ۱، ص ۱۱۲.

۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۶۷۰.

ایشان داشته‌اند که برخورد پیامبر ﷺ با آنان تند بود؛ البته نه از باب کفر آنها، بلکه به‌خاطر دشمن بودن آنها.

علاوه بر این، پیامبر ﷺ به اطرافیان خود نیز سفارش می‌کردند که با دیگران، حتی کفار، رفتار حسنه‌ای داشته باشند؛ همان گونه که ایشان به اسما، دختر ابوبکر، زمانی که مادرش برای دیدار او از مکه به مدینه آمده بود، سفارش کردند که به دیدن مادرش برود و با او خوش‌رفتار باشد.^۱

نکته قابل‌توجه دیگر این است که در تمام لشکرکشی‌هایی که مسلمانان به ممالک دیگر داشته‌اند، هیچ‌گاه آنان را به پذیرش اسلام مجبور نکرده‌اند^۲ و صرفاً با کسانی مقاتله کرده‌اند که در مقابل اسلام صف‌آرایی داشتند و مانع رسیدن اسلام به آحاد جامعه می‌شدند.^۳

نتیجه

سلفیه تکفیری بر این باور هستند که نشر و تبلیغ اسلام، تنها از راه شمشیر محقق می‌شود و برای تحقق این امر، جهاد ابتدایی جایز است. تکفیری‌ها برای مشروعیت‌بخشی به اقدام خود، به آیاتی از قرآن از جمله آیه ۵ سوره توبه استناد می‌کنند. آنان با تکیه بر این آیه، چند ادعا را مطرح می‌کنند: ۱. حلال بودن جان، مال و ناموس کفار به‌مجرد اثبات کفر آنها. تکفیری‌ها تمام کفار را مصداق لفظ «مشرکین» در آیه مذکور می‌دانند؛ در حالی که با مراجعه به تفاسیر و متون معتبر اثبات شد که مراد از «مشرکین» در این آیه، کفاری است که در حال جنگ با اسلام یا آماده‌سازی خود برای مقابله با اسلام هستند. ۲. جواز اجبار اشخاص به پذیرش اسلام. این در حالی است که با مراجعه به دیگر آیات قرآن و همچنین سیره پیامبر ﷺ متوجه می‌شویم که اکراه در دین مردود شمرده شده است. ۳. نسخ تمام آیات صلح و عفو، به‌واسطه این آیه. با مراجعه به تفاسیر و

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۳، ۱۶۴؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۹۶.

۲. قرضاوی، یوسف، فقه الجهاد، ج ۱، ص ۵۹۹.

۳. عقاد، عباس محمود، حقائق الإسلام و أباطیل خصومه، ص ۱۵۵.

همچنین متونی که در باب ناسخ و منسوخ نگاشته شده است، اثبات گردید که در ناسخ بودنِ این آیه اقوال متعددی وجود دارد و پشتوانهٔ روایی نیز ندارد؛ تا جایی که برخی آن را برگرفته از سلیقهٔ مفسران دانسته‌اند. ۴. استناد به سیرهٔ پیامبر ﷺ در کشتن کفار. تکفیری‌ها به جنگ‌های پیامبر ﷺ استناد می‌کنند و معتقدند که این جنگ‌ها جهاد ابتدایی بوده و برای تحمیل اسلام به مردم صورت گرفته است. این در حالی است که با مراجعه به کتاب‌های روایی و تاریخی معتبر، خلافِ این مطلب اثبات گردید و دلیل جنگ‌های پیامبر ﷺ، تحمیل دین بر مردم نبوده است.

کتابنامہ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، **تفسير القرآن العظيم؛ مسنداً عن الرسول ﷺ و الصحابة و التابعين**، تحقيق: اسعد محمد طيب، عربستان: مكتبة نزار مصطفى الباز، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، **المصنف؛ في الأحاديث والآثار**، تحقيق: كمال يوسف حوت، رياض: مكتبة الرشد، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، **فتح الباري شرح صحيح البخاري**، بيروت: دار المعرفة، ۱۳۷۹ق.
۵. ابن حنبل، احمد بن محمد، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، تحقيق: شعيب ارنؤوط و عادل مرشد و دیگران، عربستان: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۶. ابن عرفہ، محمد بن محمد، **شرح حدود ابن عرفة؛ الموسوم الهداية الكافية الشافية لبيان حقائق الإمام ابن عرفة الوافية**، بی جا: المكتبة العلمية، چاپ اول، ۱۳۵۰ق.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **تفسير القرآن العظيم**، بيروت: دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۸. ابورمان، محمد، **الإصلاح السياسي في الفكر الأساسي**، بيروت: الشبكة العربية للأبحاث و النشر، بی تا.
۹. ابو قتاده فلسطینی، عمر محمود، **الجهاد و الاجتهاد؛ تأملات في المنهج**، سایت آرشیو منبر التوحید و الجهاد، آدرس: www.ilmway.com/site/maqdis/d.html
۱۰. اثری، ابوهمام، **النوافح المسكية في نقش شبهة المرحلة المكية**، سایت آرشیو منبر التوحید و الجهاد، آدرس: www.ilmway.com/site/maqdis/d.html
۱۱. آل شویل زهرانی، فارس بن احمد، **سلسلة العلاقات الدولية في الإسلام**، بی جا: مركز الدراسات و البحوث الإسلامية، بی تا.
۱۲. البانی، محمد ناصر الدین، **دروس للشيخ محمد ناصر الدين الألباني**، سایت اسلامویب، آدرس: <http://www.islamweb.net>
۱۳. البانی، محمد ناصر الدین، **سلسلة الأحاديث الصحيحة؛ و شيء من فقهها و فوائدها**، رياض: مكتبة المعارف، چاپ اول، بی تا.

١٤. بخارى، محمد بن اسماعيل، **الأدب المفرد**، تحقيق: محمد عبد الباقي، بيروت: دار البشائر الإسلامية، چاپ سوم، ١٤٠٩ق.
١٥. بخارى، محمد بن اسماعيل، **صحيح البخاري**، تحقيق: محمد زهير بن ناصر، بی جا: دار طوق النجاة، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
١٦. جرجاني، علی بن محمد، **كتاب التعريفات**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٠٣ق.
١٧. حاكم نیشابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، تعليق: محمد بن احمد ذهبي، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١١ق.
١٨. حجازي، اكرم، **دراسات في السلفية الجهادية**، قاهره: مدارات للأبحاث و النشر، چاپ اول، ١٤٣٥ق.
١٩. حربی، ابومنذر، **عون الحكيم الخبير في الرد على كتاب البرهان المنير**، تقديم: ابومحمد مقدسی، بی جا: دار الجبهة، چاپ دوم، ١٤٣٢ق.
٢٠. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، تحقيق: عدنان داودی صفوان، دمشق: دار القلم، چاپ اول، ١٤١٢ق.
٢١. رشید رضا، محمد، **تفسير المنار**، بی جا: الهيئة المصرية العامة للكتاب، چاپ اول، ١٩٩٠م.
٢٢. زحيلي، وهبه، **آثار الحرب؛ في الفقه الإسلامي**، دمشق: دار الفكر، چاپ سوم، ١٤١٩ق.
٢٣. زمخشري، محمود بن عمرو، **الكشاف؛ عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل**، بيروت: دار الكتاب العربي، چاپ سوم، ١٤٠٧ق.
٢٤. سالم، احمد و عمرو بسيوني، **ما بعد السلفية؛ قراءة نقدية في الخطاب السلفي المعاصر**، بيروت: مركز نماء للبحوث و الدراسات، چاپ اول، ٢٠١٥م.
٢٥. سباعي، هاني، **الصواعق المرسلة على الندوة المهزلة**، لندن: مركز المقريزي للدراسات الإسلامية، چاپ اول، ١٤٣١ق.
٢٦. سوري، ابومصعب، **دعوة المقاومة الإسلامية العالمية**، سايت آرشيو منبر التوحيد و الجهاد، آدرس: www.ilmway.com/site/maqdis/d.html
٢٧. سيوطي، عبدالرحمن بن ابی بكر، **الإتقان في علوم القرآن**، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بی جا: الهيئة المصرية، چاپ اول، ١٣٩٤ق.
٢٨. شنيطى، عبدالله، **بل أنت من المبطلين**، سايت آرشيو منبر التوحيد و الجهاد، آدرس: www.ilmway.com/site/maqdis/d.html
٢٩. شهاب الثاقب، علی بن نايف، **الخلاصة في أحكام أهل الذمة**، سايت آرشيو منبر التوحيد و

الجهاد، أدرس: www.ilmway.com/site/maqdis/d.html

٣٠. شهاب الناقب، على بن نايف، **الخلاصة في أهداف القتال في الإسلام**، بي جا: دار المعمور، چاپ اول، ١٤١٩ق.

٣١. طباطبائي، سيد محمد حسين، **الميزان في تفسير القرآن**، ترجمه: محمد باقر موسوي، قم: جامعة مدرسين حوزه علميه قم، چاپ پنجم، ١٣٧٤ ش.

٣٢. طبراني، سليمان بن احمد، **التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم للإمام الطبراني**، اردن: دار الكتاب الثقافي، چاپ اول، ٢٠٠٨م.

٣٣. طبري، محمد بن جرير، **جامع البيان في تأويل القرآن**، تحقيق: احمد محمد شاكر، بي جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢٠ق.

٣٤. عائذی، عبدالرحمن، **الانتصار للمجاهدين و الرد على كبار العلماء السلاطين**، سايت آرشيو منبر التوحيد و الجهاد، أدرس:

www.ilmway.com/site/maqdis/d.html

٣٥. عبدالحكيم حسان، ابو عمر، **هل العمليات الجهادية في بلاد الكفار أفضل أم في بلاد المسلمين**، سايت آرشيو منبر التوحيد و الجهاد، أدرس:

www.ilmway.com/site/maqdis/d.html

٣٦. عبدالسلام فرج، محمد، **الجهاد؛ الفريضة الغائبة**، سايت آرشيو منبر التوحيد و الجهاد، أدرس:

www.ilmway.com/site/maqdis/d.html

٣٧. عبدالغني، عماد، «المفاهيم و الأفكار و العقائد المحورية للحركات الإسلامية»، **الحركات الإسلامية في الوطن العربي**، بيروت: مركز الدراسات الوحدة العربية، چاپ اول، ٢٠١٣م.

٣٨. عبدالقادر، سيد امام، **العمدة في إعداد العدة**، سايت آرشيو منبر التوحيد و الجهاد، أدرس:

www.ilmway.com/site/maqdis/d.html

٣٩. عزام، عبدالله، **التجارة المنجية زاد المجاهدين**، سايت آرشيو منبر التوحيد و الجهاد، أدرس:

www.ilmway.com/site/maqdis/d.html

٤٠. عزام، عبدالله، **في ظلال سورة التوبة**، پيشاور: مركز الشهيد عزام، بي تا.

٤١. عقاد، عباس محمود، **حقائق الإسلام و أباطيل خصومه**، بي جا: مؤسسة الهنداوي، چاپ اول، ٢٠١٢م.

٤٢. عمر، احمد مختار، **معجم اللغة العربية المعاصرة**، بي جا: عالم الكتب، چاپ اول، ١٤٢٩ق.

٤٣. فخر رازي، محمد بن عمر، **مفاتيح الغيب**، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ سوم، ١٤٢٠ق.

٤٤. فراهيدى، خليل بن احمد، **كتاب العين**، تحقيق: مهدي مخزومي، بي جا: دار و مكتبة الهلال، بي تا.

۴۵. قرضاوی، یوسف، **فقه الجهاد**، ترجمه: ابراهیم ساعدی، تهران: نشر احسان، چاپ اول، ۱۳۹۶ش.

۴۶. قرطبی، محمد بن احمد، **الجامع لأحكام القرآن**، تحقیق: هشام سمیر بخاری، ریاض: دار عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.

۴۷. قمی نیشابوری، حسن بن محمد، **تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان**، تحقیق: شیخ زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

۴۸. کمیته شرعی جماعه التوحید و الجهاد، **تحفة الموحدين في بيان أهم مسائل الدين**، سایت آرشیو منبر التوحید و الجهاد، آدرس:

www.ilmway.com/site/maqdis/d.html

۴۹. مقدسی، ابومحمد، **حوار مع مجلة العصر**، سایت آرشیو منبر التوحید و الجهاد، آدرس: www.ilmway.com/site/maqdis/d.html

۵۰. میسر، رول، **السلفية العالمية: الحركات السلفية المعاصرة**، ترجمه: محمد محمود توبه، بیروت: الشبكة العربية للأبحاث و النشر، چاپ اول، ۲۰۱۴م.

۵۱. نحاس، احمد بن محمد، **الناسخ و المنسوخ؛ لأبي جعفر النحاس**، تحقیق: عبدالسلام محمد، کویت: مكتبة الفلاح، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.

۵۲. نسیره، هانی، «السلفية الجهادية و تنظيم القاعدة»، **الحركات الإسلامية في الوطن العربي**، بیروت: مركز الدراسات الوحدة العربية، چاپ اول، ۲۰۱۳م.

۵۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحيح مسلم**، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.

۵۴. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، **التفسير البسيط**، عربستان: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.

۵۵. وادعی، مقبل بن هادی، **تحفة المُجيب؛ على أسئلة الحاضر و الغریب**، صنعاء: دار الآثار للنشر و التوزيع، چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.

